

مقاله علمی

چرایی و چگونگی ازدواج کودکان از منظر تجربه زیسته زنان

در شهرستان خرم آباد

مهری فتائی^۱، معصومه مطلق^۲، حسین آقاجانی مرسا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱ تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵

چکیده

یکی از پدیده‌های که می‌تواند سلامت کودکان را در ابعاد مختلف در معرض خطر قرار دهد ازدواج در سنین کودکی است زیرا با آسیب‌های فیزیکی، روانی و اجتماعی همراه می‌باشد. ازدواج کودکان در حالی شایع است که کشورهای زیادی آن را غیرقانونی اعلام کرده و تمهیداتی را برای پیشگیری از وقوع آن به کار بسته‌اند. پرسش این است که چرا علیرغم تغییر و تحولاتی که جامعه در زمینه‌های مختلف تجربه کرده این پدیده هنوز باقی مانده است. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با پانزده مشارکت‌کننده زن در شهرستان خرم‌آباد انجام شده که به صورت غیر تصادفی و هدفمند انتخاب شده‌اند و دارای تجربه ازدواج در سنین کودکی هستند. محتوای مصاحبه‌ها به منظور استخراج مضامین علی، زمینه‌ای و فرایندی مورد تحلیل قرار گرفتند و یافته‌ها نشان داد که فرایند ازدواج کودکان، تحت تاثیر فشار اجتماع و انتخاب خانواده‌ها قرار دارد، به طوری که اجتماع با اعمال فشار و خانواده‌ها با مجبور کردن دخترانشان این ازدواج‌ها را ترتیب می‌دهند. کودکان نیز در نتیجه این فرایندها مجبور به ازدواج می‌شوند، به طوری که درک چندانی از ازدواجشان در این سنین ندارند. در بعضی از موارد دختران، ازدواج را به دلیل رهایی از شرایط نامناسب خانواده با فداکاری انتخاب می‌کنند. فشار اجتماع و انتخاب خانواده‌ها نتیجه زمینه و بستری است که در آن قرار دارند. مواردی چون فقر و سنت‌ها فضایی را به وجود می‌آورند که بسیاری از خانواده‌ها به آن تن داده، فرزندان‌شان را در سنین کودکی مجبور به ازدواج می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج در سن کودکی، زمینه‌ها، فرایندها، شهرستان خرم‌آباد، پژوهش میدانی

-
۱. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. mehrifatai@gmail.com
 ۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسئول) m-motlaq@iau-arak.ac.ir
 ۳. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. a_marsa1333@yahoo.com

مقدمه

علیرغم اینکه جامعه ایران تغییر و تحولات زیادی را تجربه کرده و به جامعه‌ای مدرن تبدیل شده است، ازدواج کودکان هنوز در میان بخش‌هایی از آن باقی مانده است. این تغییرات نهاد خانواده را دربرگرفته، به‌گونه‌ای که اکنون خانواده تبدیل به خانواده هسته‌ای و عاملیت در میان زنان برای انتخاب شریک زندگی افزایش یافته، مردان و زنان در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند و میزان طلاق‌ها به ویژه طلاق‌های توافقی نیز افزوده شده است (علی‌مندگاری، ۱۳۹۳). ازدواج کودکان در میان دختران به هر ازدواج رسمی یا پیوند غیررسمی زیر ۱۸ سال گفته می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند ازدواج کودکان در میان زنان و مردان ساکن در مناطق روستایی، محلات شهری فقیر، بی‌سواد یا با تحصیلات پایین‌تر و کسانی که وضعیت اقتصادی ضعیفی دارند رایج‌تر است (ماتور و همکاران^۱، ۲۰۰۳؛ نور^۲، ۲۰۰۹؛ پل و ماندل^۳، ۲۰۲۱). براساس گزارش سازمان ثبت احوال در ایران، سهم ازدواج‌های زیر ده سال در سال ۱۳۹۶ خ. برابر با ۰،۰۴ درصد، ازدواج‌های بین ۱۰ تا ۱۴ سال ۵،۸ درصد و ازدواج‌های بین ۱۵ تا ۱۹ سال ۲۸،۰۷ درصد بوده است (هاشمی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱). بر اساس گزارش مرکز آمار، سهم ازدواج‌ها در سنین کمتر از ۱۵ سال در سال ۱۴۰۰ خ. در میان دختران ۵،۷۱ درصد و در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال ۲۷،۳۴ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱ خ.).

ازدواج کودکان در حالی ادامه دارد که پیامدهای زیستی، روانی و اجتماعی زیادی را به همراه دارد و می‌تواند به مثابه شکلی از «وضعیت‌های مخاطره‌آمیز» تلقی شود. این نوع ازدواج‌ها، نقض حقوق بشر شناخته شده‌اند زیرا حقوق اولیه دختران شامل ازدواج آگاهانه و همراه با رضایت را نقض می‌کنند و اغلب در سنینی اتفاق می‌افتند که کودکان بقدری کم‌سال‌اند که درک درستی از ازدواج و انتخاب همسر ندارند (صندوق جمعیت سازمان ملل متحد^۴، ۲۰۱۲). چندین پیمان بین‌المللی حق دختران را برای حمایت در برابر پدیده‌های مضر مانند ازدواج بدون رضایت و تبعیض علیه آنان به رسمیت شناخته‌اند. بند ۲ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م.) بیان می‌کند که «ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه همسران که

1 Mathur, S., M. Greene, and A. Malhotra

2 Nour, Nawal M

3 Paul, Pintu, and Dinabandhu Mondal

4 United Nations Population Fund

تمایل به آن دارند انجام می‌شود» (سازمان ملل متحد، ۱۹۶۲م.). ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نیز بیان می‌کند که زنان مثل مردان حق دارند آزادانه همسر خود را انتخاب و تنها با رضایت کامل و آزادانه ازدواج کنند و نامزدی یا ازدواج یک کودک هیچ اثر قانونی ندارد (سازمان ملل متحد، ۱۹۷۹م.). علاوه بر این، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک، برخی از موارد حقوق بشر را برای کودکان تجویز می‌کند که در آن کودک «حق حمایت در برابر اعمال مضر، آزار و استثماری» را دارد (سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹م.). در ایران براساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، ازدواج کودکان از جمله ازدواج دختران زیر ۱۳ سال مجاز است، در حالی که این ماده هیچ دلیل دینی و شرعی ندارد (شکوری‌راد، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

ازدواج کودکان دختر ناشی از فقر، هنجارهای اجتماعی فرهنگی مردسالارانه، تقاضای جهیزیه، جنگ و تضادهای سیاسی و تبعیض درازمدت علیه دختران است (کالدول و همکاران^۱، ۱۹۸۳؛ چاودری^۲، ۲۰۰۴؛ نور، ۲۰۰۹؛ یونیسف^۳ و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، ۲۰۱۸م.). تأثیر هنجارها و ارزش‌های فرهنگی اجتماعی مردسالارانه می‌تواند بر فرد، در خانواده یا اجتماع خود را نشان دهد و می‌تواند پدیده‌هایی مانند ازدواج کودکان را تداوم بخشد (لیریف و همکاران^۴، ۲۰۱۲). همچنین ازدواج کودکان با حاملگی‌های ناخواسته یا بدموقع، سقط جنین، افزایش خطرات دوران بارداری، زایمان زودرس، فوت نوزاد یا مادر به هنگام زایمان، وزن کم نوزاد به‌هنگام تولد، اختلالات روانی، ترک تحصیل، محدود شدن فرصت‌ها، فقر، خشونت، طلاق، کودک‌بیوگی و خودکشی همراه است (احمدی، ۱۳۹۶؛ بهرامی، ۱۳۹۷؛ مقدادی و جوادی‌پور، ۱۳۹۶؛ خضری و همکاران، ۱۴۰۰؛ نوو و همکاران^۵، ۲۰۱۴؛ یونیسف، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵). علاوه بر این، زنانی که در سنین کودکی ازدواج کرده، از قدرت و جایگاه پایین‌تری در خانواده برخوردارند (کیدمن^۶، ۲۰۱۷؛ راج و همکاران^۷، ۲۰۱۰). به‌تبع جامعه ایران، در استان لرستان نیز پدیده ازدواج کودکان شایع است. یافته‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۹۰خ. و ۱۳۹۵خ. حدود ۲ درصد از دختران در استان

1 Caldwell, John C., Palli Hanumantha Reddy, and Pat Caldwell

2 Chowdhury, Farah Deeba

3 United Nations International Children's Emergency Fund (Unicef)

4 Lee- Rife, Susan, Anju Malhotra, Ann Warner, and Allison McGonagle Glinski

5 Nove, A., Z. Matthews, S. Neal, and A. V. Camacho

6 Kidman, Rachel

7 Raj, Anita, Niranjana Saggurti, Danielle Lawrence, Donta Balaiah, and Jay G. Silverman

لرستان زیر ۱۴ سال و حدود ۲۰ درصد هم زیر ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند (سایت مرکز آمار ایران). مطالعات اندکی به بررسی ازدواج کودکان در این استان پرداخته‌اند (صیادان برخوردار و عنبری، ۱۴۰۱). هدف این نوشتار مطالعه علل و فرایند ازدواج کودکان دختر در شهرستان خرم‌آباد و پاسخ به این پرسش است که زمینه‌ها و فرایندهای ازدواج کودکان در شهرستان خرم‌آباد چه هستند؟

پیشینه پژوهش و چارچوب مفهومی

مطالعات زیادی درباره کودک همسری انجام شده که اکثر آنها معطوف به دختران است و به روندها، میزان شیوع، علل، پیامدها، تجارب کودکان و موفقیت برخی از کشورها برای غیرقانونی کردن و کاهش روند آن پرداخته‌اند. بدون این‌که قصد مرور هر یک از آنها را داشته باشیم، در جدول ۱ به علل و فرایندهای این نوع از ازدواج‌ها بر اساس نتایج این مطالعه‌ها پرداخته شده است. این فرایندها را می‌توان در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دلایل کودکان دسته‌بندی کرد.

جدول ۱. فرایندهای علی کودک همسری به تفکیک حوزه‌ها

منبع	توضیح	علل	زمینه
(احمدی، ۱۳۹۶؛ صیادیان برخوردار و عنبری، ۱۴۰۱؛ پاول و ماندل، ۲۰۲۱؛ پترونی و همکاران ^۱ ، ۲۰۱۷؛ چاکراواری ^۲ ، ۲۰۱۸)	خانواده با ازدواج دادن دخترانشان می‌خواهند از بار اقتصادی آنها بکاهند.	فقر	خانواده
	خانواده‌ها زمانی که دخترشان را در سن پایین‌تر ازدواج دهند می‌توانند شیربها دریافت کنند.	شیربها	
	اگر سن دختر بیشتر شود خانواده‌ها باید هزینه‌های بیشتری را برای شوهر دادن آن‌ها متحمل شوند.	جهیزیه	
	افزایش فقر در نتیجه شیوع ویروس و ترک تحصیل تعدادی از دانش‌آموزان	ویروس کروید ۱۹	
	محروم کردن زنان از حقوق و فرصت‌های اقتصاد نظیر تحصیل، ارث، کار و غیره	تبعیض علیه زنان	اجتماعی-فرهنگی
	آنها علاوه بر اینکه شیوه‌های ازدواج را تعیین می‌کنند بر ازدواج در سن پایین و نقش خانه‌داری زنان تأکید دارند.	هنجارها و سنت‌ها	
	جوامع پدرسالار تمایل دارند که زنان را در نقش‌های فرعی نسبت به مردان	پدرسالاری	

- Petroni, Suzanne, Mara Steinhaus, Natacha Stevanovic Fenn, Kirsten Stoebenau, and Amy Gregowski
- Chakravarty, Deepita

چاودری، ۲۰۰۴؛ خضری و همکاران، ۱۴۰۰؛ گوش ^۱ ، ۲۰۱۱؛ سگال- انگلچین و همکاران ^۲ ، ۲۰۱۵؛ غدیری، ۱۳۹۵؛ مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶ و یونیسف، (۲۰۱۷)	قرار دهند، تحرک و توانایی آنها را برای مشارکت در جامعه سیاسی یا مدنی محدود کنند و عاملیت آنها را به لحاظ ازدواج، طلاق و سایر حقوق شهروندی محدود کنند.		
	روحانیون تفسیری را از دین ارائه می دهند که مروج کودک همسری است، یکی از دلایل آنها برای ترویج کودک همسری، مصون سازی کودکان در برابر گناه است.	مشروعیت دینی	
	خانواده های پرجمعیت، تک والد یا سرپرستان جایگزین به خوبی قادر به تأمین نیازهای این کودکان نیستند و ازدواج برای دختران راهبردی برای رهایی از این شرایط است.	اختلال در خانواده	
	این خانواده زمینه های آزار و اذیت و بهره کشی از کودکان را فراهم می آورند و دختران می خواهند با ازدواج، خود را از فقر و آزار نجات دهند و عشق را تجربه کنند.	رویه های ناکارآمد تربیتی	
	ترس از صدمه دیدن پاک دامنی دختر در نتیجه ارتباط با جنس مخالف	هنجار پاک دامنی	
	تحصیل دختران به کار و مزایا منجر نمی شود یا زمانی که دختران ترک تحصیل می کنند چیز دیگری جز ازدواج در انتظارشان نیست.	ترک تحصیل	
	ترس خانوارها از اینکه مبدا دخترشان سنش بالا برود و دیگر ازدواج یا یک ازدواج خوب نکند.	ترس	
	باور به ازدواج فامیلی مانند ازدواج دخترعمو و پسرعمو	تقدیرگرایی	
	مقایسه دختران مجرد با متأهل جهت فشار بر آنها برای ازدواج	مقایسه و تقلید	
	معامله کودک در برابر پول به منظور تأمین هزینه های مواد مخدر	اعتیاد	
	ازدواج پاسخ مناسب به تجاوز به دختر است و باعث حفظ شرافت کودک، متجاوز و خانواده ها می شود.	تجربه تجاوز	
	برای دختران زیبا در کودکی خواستگار بیشتری وجود دارد.	ظاهر دختر	
	قوانین، ازدواج کودکان را منع نکرده و برای کسانی که آن را ترتیب می دهند مجازاتی تعیین نکرده اند و اگر هم منع کرده اند سازوکارهای اجرایی آن وجود ندارد.	مشروعیت قانونی	سیاسی
	در این شرایط، خانواده ها از ترس اینکه به دخترانشان تجاوز شود یا ربوده شوند، آنها را ازدواج می دهند یا برای حفظ جان خودشان و بچه هایشان به سران نظامی می بخشند.	جنگ و ناآرامی ها	
	خود دختران خواهان ازدواج هستند.	دلایل فردی	

1. Ghosh, Biswajit
2. Segal-Engelchin, Dorit, Efrat Huss, and Najlaa Massry

بنابر این، پیشینهٔ تحقیق مجموعه‌ای از مفاهیم حساس نظری را نشان می‌دهد که توضیح-دهندهٔ ازدواج کودکان هستند و عبارتند از فقر خانوارها، تلقی دختران به عنوان هزینه، فقدان امکانات و فرصت‌ها در مناطق فقیر برای رشد و پیشرفت دختران، سنت‌ها و هنجارهای بهم پیوسته که سن و شیوه‌های ازدواج را تعیین می‌کنند، جنگ و ناآرامی‌های سیاسی که باعث ترس از به خطر افتادن پاکدامنی دختران می‌شوند، ترس والدین از اینکه پاکدامنی دخترانشان در صورتی که زود ازدواج نکنند به خطر بیفتد و در نهایت، مشروعیت قانونی که منجر می‌شود ثبت این ازدواج‌ها منعی برای والدین نداشته باشد. این موارد با فشار به افراد جامعه و والدین و تسهیل زمینه‌های ازدواج، باعث می‌شوند که والدین ازدواج کودکان خود را ترتیب دهند و دختران نیز از تصمیمات آنها اطاعت کنند.

روش تحقیق

مورد مطالعه در این پژوهش زنان دارای تجربهٔ کودک همسری در شهرستان خرم‌آباد است و روش کلی تحقیق از نوع کیفی، میدانی با تاکید بر مصاحبهٔ نیمه‌ساختارمند برای گردآوری داده‌ها می‌باشد. نمونه‌گیری به روش گوله‌برفی با در نظر گرفتن حداکثر تنوع انجام شده است. از روش گوله‌برفی برای یافتن مشارکت‌کنندگان بیشتر و از حداکثر تنوع برای شناسایی خصوصیات متنوع آنها استفاده شده است. به این ترتیب با ۱۵ زن دارای تجربه ازدواج در سنین کودکی از روستاهای دارایی، ده‌پیر و چغولوندی و محلات فلک‌الدین، پشت حسین‌آباد و گل سفید شهرستان خرم‌آباد با فن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به منظور گردآوری داده‌ها، مصاحبه به عمل آمد. در عمل با ۲۳ نفر مصاحبه انجام شد اما به علت مشکلاتی نظیر جلب اعتماد پاسخگویان و عدم مشارکت کامل آنها و پاسخ‌های کوتاه و ناقصی که وجود داشت، تنها مصاحبه‌های ۱۵ مشارکت‌کننده به منظور یافتن مضامین علی، زمینه‌ای و فرایندی مورد تحلیل قرار گرفتند که مشخصات عمومی آنها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- مشخصات مشارکت‌کنندگان

شماره	سن در حال حاضر	سن ازدواج	میزان تحصیلات	محل سکونت	شماره	سن در حال حاضر	سن ازدواج	میزان تحصیلات	محل سکونت	شماره	سن در حال حاضر	سن ازدواج	میزان تحصیلات	محل سکونت
۱	۳۰	۱۴	راهنمایی	شهر	۹	۲۹	۱۶	ابتدایی	شهر	۲	۲۳	۱۵	ابتدایی	روستا
۲	۲۳	۱۶	ابتدایی	روستا	۱۰	۲۱	۱۵	ابتدایی	روستا	۳	۱۸	۱۴	ابتدایی	روستا
۳	۱۸	۱۴	ابتدایی	روستا	۱۱	۲۶	۱۴	ابتدایی	روستا	۴	۱۹	۱۵	متوسطه اول	شهر
۴	۱۹	۱۵	ابتدایی	روستا	۱۲	۱۷	۱۵	متوسطه اول	شهر	۵	۲۳	۱۵	ابتدایی	روستا
۵	۲۳	۱۵	ابتدایی	روستا	۱۳	۲۵	۱۳	ابتدایی	روستا	۶	۱۹	۱۷	متوسطه اول	شهر
۶	۱۹	۱۷	متوسطه اول	شهر	۱۴	۲۲	۱۵	ابتدایی	روستا	۷	۳۵	۱۴	ابتدایی	روستا
۷	۳۵	۱۴	ابتدایی	روستا	۱۵	۱۸	۱۴	ابتدایی	روستا	۸	۲۸	۱۳	ابتدایی	روستا
۸	۲۸	۱۳	ابتدایی	روستا										

یافته‌ها

در جدول ۳ عوامل علی ازدواج کودکان بر اساس هر مشارکت‌کننده نشان داده شده است. این جدول نشان می‌دهد که در میان افراد مورد مطالعه کدام عوامل شکل‌دهنده ازدواج کودکان هستند و تا چه میزان رواج دارند. این عوامل بر تصمیمات افراد جامعه، خانواده‌ها و حتی کودکان تأثیر می‌گذارند و این تصمیمات، فرایندهای کودک‌همسری را توضیح می‌دهند.

جدول ۳- حضور و غیاب عوامل علی ازدواج در افراد مطالعه شده که زنان دارای تجربه ازدواج در سن کودکی هستند.

علل								شماره
زیبارو بودن دختر	پرجمعیت بودن خانواده	ترک تحصیل	هنجار پاک‌دامنی	فضای نابسامان خانواده	ترس از عدم ازدواج	سنت‌ها	فقر	
-	+	-	-	-	-	+	+	۱
-	-	-	-	-	-	+	+	۲
-	-	-	-	+	-	-	+	۳
-	-	-	+	-	-	+	+	۴
+	-	+	+	-	+	+	+	۵
-	+	-	-	+	-	+	-	۶
-	-	+	+	-	-	+	+	۷
-	-	-	-	-	-	+	+	۸
-	-	-	+	-	-	+	+	۹
+	-	+	-	-	-	-	+	۱۰
-	-	-	+	-	+	+	+	۱۱
-	-	-	-	-	+	+	+	۱۲
-	-	+	-	-	+	+	+	۱۳
-	-	-	+	-	+	+	-	۱۴
-	-	-	-	+	-	-	+	۱۵

شغل پدر پاسخگویان به ترتیب ۲۶,۷ درصد کارگر^۱، ۲۶,۷ درصد کشاورز، ۱۳,۳ درصد آزاد، ۶,۶ درصد مسافرخش، ۱۳,۳ درصد بیکار است. ۱۳,۳ درصد از پاسخ‌گویان به دلیل فوت پدر و طلاق والدین، با مادرشان زندگی می‌کردند که تحت پوشش نهادهای حمایتی بودند و شغل یکی از آنها نگهداری از سالمند بود. میانگین تحصیلات پدر آنها ۵,۶ سال بود. شغل مادر همهٔ پاسخ‌گویان غیر از مواردی که سرپرست خانوار بودند، خانه‌دار و میانگین تحصیلات آنان

۱. در این مورد همه آنها کارگر روزمزد و فصلی بودند و ممکن بود در کنار شغل کارگری به صورت محدود به دامداری هم بپردازند.

۲,۷ سال بود. تحصیلات و شغل پدر و مادر نشان می‌دهد که آنها از طبقه پایین جامعه هستند. در میان مشارکت‌کنندگان ۱۳ نفر فقیر و تنها ۲ نفر غیر فقیر بودند و فقر ۳ نفر بسیار شدید بود. فقر در درجه اول نتیجه فقدان فرصت‌های اقتصادی در این مناطق است. بیشتر مشاغل والدین فصلی و موقت بود و درآمدشان آنقدر نبود که منجر به رها شدن از فقر شود. پدر یک مورد از دختران فوت کرده بود و خانواده تحت پوشش نهادهای حمایتی بودند اما میزان حمایت نیز آنقدر نبود که باعث توانمندسازی و رفع فقر خانواده شود. فقر زندگی این خانوارها را آسیب‌پذیر کرده است و زمانی که والدین قادر به تأمین نیازهای همه فرزندان نباشند، کاستن از هزینه‌های خانوار از طریق ازدواج دادن دخترهایشان، راهبردی برای آنان است؛ البته این موضوع بیشتر در میان خانوارهای با فقر شدید رایج است. در این زمینه خانم ادیبی گفت:

خانواده ما نمی‌گفتن برا اینکه از سرشون کم شیم ازدواجتون می‌دیم، ولی مادر بزرگم چن بار گفته بود، اگه اینارو ازدواج بدید نون خورتون کم میشه.

فقر همچنین باعث می‌شود در بسیاری از موارد خانواده‌ها بین دختران و پسرانشان تفاوت قائل شوند، به‌گونه‌ای که در موفقیت فرزندان پسر بیشتر و برای دختران کمتر سرمایه‌گذاری کنند. در شرایط فقر والدین فکر می‌کنند دختر در نهایت با ازدواج کردن از خانه می‌رود و نفع یا ثمر این سرمایه‌گذاری به داماد و خانواده او می‌رسد؛ درحالی‌که پسر برای آنان باقی می‌ماند و در روزهای سالخوردگی کمک‌حال آنها می‌شود. خانم احمدی گفت:

بیشتر به پسر بها می‌دان، می‌گفتن تو پیری اون می‌خواد خرج مونو بده. تو منطقه ما برا دخترا زیاد خرج نمی‌کنن ولی برا پسرا این‌جوری نیست، مثلاً پسر اگه ماشین ۵۰۰ میلیونی بخواد براش می‌خرن، حتی اگه شده گاو و گوسفندها رو بفروشن ولی برا دخترا این‌جوری نیست.

چیزی که بیش از همه باعث شده بود که فقر منجر به ازدواج شود این بود که فقر در کنار برخی از عوامل دیگر شرایط زندگی برای این دختران را سخت کرده بود و آنها با احساس دلسوزی که نسبت به خانواده داشتند می‌خواستند با ازدواج کردن باری از دوش خانواده بردارند. در این موارد زمانی که برای این دختر خواستگار می‌آید با دادن جواب «بله» علیرغم میل درونی دست به فداکاری می‌زنند. لذا فقر زمینه راهبردی کاستن از هزینه‌های خانوار از

سوی والدین و فداکاری از سوی دختران است. البته روایت‌های افراد به‌گونه‌ای بود که بیشتر، آنها این راهبرد را انتخاب کرده بودند تا والدینشان؛ مثلاً خانم حسنونند گفت:

خب بابام فقیر بود، مریضم بود، من فقط می‌خواستم باری از رو دوشش بردارم، به خاطر این بود که هیچی نگفتم ساکت شدم اینا فکر کردن من دوست دارم ازدواج کنم، درحالی‌که نه می‌خواستم به اونا کمک کنم.

گرچه بسیاری از خانواده‌های این کودکان فقیرند، اما جز در موارد اندک فقر باعث نشده بود که آنها دخترانشان را ازدواج دهند و این سنت‌ها هستند که نقش تعیین‌کننده‌تری را ایفا کرده بودند. این سنت‌ها قبل از هر چیزی در میان افراد جامعه، تصویری آرمانی از زنان به واسطه نقش‌هایی که در جامعه می‌توانند ایفا کنند، می‌سازد. بر مبنای این تصویر آرمانی، زن موجود خانه‌داری است که به امور منزل، شوهر و فرزندان می‌پردازد. در این شرایط موفقیت‌های فردی زنان همچون تحصیل و اشتغال دیگر چندان مهم نیست و بهتر است برای آن نقش‌ها آماده شوند. خانم شکری که هم خودش و هم دخترش در سن کودکی ازدواج کرده‌اند گفت:

مثلاً دختر من هفته پیش مارو دعوت کرده بود شام، این انقد کدبانو بود انقد ترتمیزی بود، اصلاً نجیب، یعنی مثل یه زن ۳۵ ساله. ما همه متحیر ترتمیزی نجابت و پاکیزگی این دختر شده بودیم. با اینکه یه دختر ۱۵ الی ۱۶ ساله است و یه دختر یه ساله داره این از نظر طایفه و خانواده ما یک زن نمونه، پسندیده و شایسته است؛ یعنی اینجور مدل‌ها رو دوس داریم.

زمانی که سنت‌ها نقش‌های متفاوتی را برای زنان و مردان قائل هستند، فرایند اجتماعی شدن آنها نیز از دوره کودکی در جامعه متفاوت می‌شود. خانواده‌ها دخترانشان را به‌گونه‌ای تربیت می‌کنند که زن خانه‌دار، آرمانی یا «ایدئال» شود، یعنی زنی که خوب به شوهر و فرزندان می‌رسد، دست‌پختش خوب است و خانه را «ترتمیز» نگه می‌دارد. افزون بر این، سنت‌ها سن ازدواج را نیز تعیین می‌کنند. در اجتماعات روستایی یا محله‌های فقیر شهرستان خرم‌آباد زمانی که پسران سربازی‌شان تمام و به کسب‌وکاری مشغول می‌شوند والدین به منظور پیدا کردن دختر و تشکیل خانواده برای آنان اقدام می‌کنند. در این سن، بیشتر پسران به استقلال اقتصادی نرسیده‌اند، اما در مناسبات روستایی یا محله‌های فقیر این مسئله چندان مهم نیست. در این مناسبات، توقع چندان از استقلال اقتصادی پسران نیست و آن را به بعد موکول

می‌کنند. خانوارها در بسیاری از موارد از پسرانشان به‌هنگام ازدواج حمایت می‌کنند و حتی ممکن است تا چند سال بعد از ازدواج، با پسرشان در یک خانه با هم دیگر زندگی کنند. برای مثال در محله‌های حاشیه‌نشین، یک اتاق را به پسر تازه ازدواج کرده اختصاص می‌دهند. حال برای پسر در این سن، دختری کم‌سن و سال مناسب است زیرا مردم بر این باوراند که باید فاصله سنی بین زوجین چندین سال باشد. یکی از دلایل این موضوع این است که بر این باوراند که دختر در زمان باروری «افت می‌کند و یا شکسته می‌شود» و اگر سن و سال او بیشتر باشد اینها باعث می‌شود که از چشم شوهر بیفتد و روحیه‌اش لطمه ببیند. در این زمینه خانم کرمی گفت:

تو روستای ما آگه دختر بالای ۱۷ بشه یا ۱۸ دیگه برای یه پسر ۲۰ ساله مناسب نمی‌دونن چون می‌گن باید شش‌هفت سال فاصله سنی وجود داشته باشه. اینجا پسرا دیگه همه بعد سربازی ازدواج می‌کنن و یه خانم مناسب برای اونا باید هفت سال ازشون کوچیک‌تر باشه، می‌گن این خانم بعد باروری حتماً افت پیدا می‌کنه و شکسته میشه و پسر جون می‌مونه و دیگه اونو نخواد و باعث میشه روحیه زن لطمه ببینه.

سنت‌ها همچنین شیوه‌های ازدواج کردن به مثابه فرایندی برای کودک همسری را مشخص می‌کنند. در این فرایند خانواده‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند به طوری که آنها برای فرزندان‌شان شوهر / همسر انتخاب می‌کنند. چون این کودکان به بلوغ و مهارت کافی درباره انتخاب آگاهانه نرسیده‌اند خانواده‌ها این اجازه را به آنها نمی‌دهند که خارج از عرف، کسی را برای زندگی‌شان انتخاب کنند. در برخی از موارد دختران و پسران حتی بعد از نامزدی و عقد هم یکدیگر را نمی‌بینند و در مواردی رضایت دختران درباره انتخاب شوهر چندان مهم انگاشته نمی‌شود و حتی دختران، مصلحت و آینده خود را به دست والدین و برخی دیگر از اعضای خانواده می‌سپارند. تقریباً همه دختران اشاره کرده بودند که والدینشان همسر آینده آنها را انتخاب کرده‌اند، برای مثال خانم بختیاری گفت:

نظر منو پرسیدن من کلاً به‌خاطر درس گفتم نه. وقتی که پسر رو هم دیدم خوشم نیومد که مخالفتم جدی‌تر شد. بچه هم بودم به حرفم گوش نمی‌دادن گفتن آگه بری باهاش ازدواج کنی اون موقع ممکنه دوشش داشته باشی. تو روستای ما تقریباً برا پنجاه درصد اینجوریه که خانواده‌ها برای بچه‌هاشون تصمیم می‌گیرن.

حتی بعد از نامزدی و عقد بسیاری از خانواده با ارتباط دختر و پسر مخالف‌اند و در برخی از موارد زمانی که آنها یکدیگر را می‌بینند یا با استفاده از فناوری با هم ارتباط برقرار می‌کنند، از سوی خانواده‌ها مجازات می‌شوند. در میان برخی از خانوارها دختر و پسر زمانی به صورت رسمی از آن هم می‌شوند که ازدواج کرده باشند و زیر یک سقف زندگی کنند. اصولاً دختر تا زمانی که با خانواده پدری زندگی می‌کند، والدین بسیاری از جنبه‌های زندگی او را کنترل می‌کنند. این سنت‌ها از آن رو تبعیض‌آمیزاند که بین پسران و دختران تبعیض قائل می‌شوند و در فرایند ازدواج حقوق دختران از جمله حق انتخاب همسر را نادیده می‌گیرند. بر مبنای آنچه که درباره سنت‌ها مرور شد می‌توان گفت آنها به واسطه ساختن تصویری آرمانی از زن خانه‌دار در شکل دادن به ادراکات، تعیین سن و شیوه ازدواج و تبعیض بین دختران و پسران در ازدواج زودهنگام نقش دارند.

مورد بعدی ترس والدین از به خطر افتادن پاکدامنی دخترانشان است. هنجار پاکدامنی به این موضوع اشاره دارد که افراد اجتماع به ویژه دختران نباید تا قبل از ازدواج با پسران در هر سطحی ارتباط داشته باشند و گرنه پاکدامنی آنها به خطر می‌افتد. اگر از نظر مردم پاکدامنی دختر به خطر بیفتد، درباره او شایعه درست می‌کنند و با عبارتهای منفی جنسی آنها را خطاب می‌کنند. از طرف دیگر پاکدامنی برای دختران ارزش است و برای آنان امتیاز به حساب می‌آید. برای این دسته از دختران احتمال اینکه شوهران خوب پیدا شود بیشتر است. لذا خانواده‌ها تلاش می‌کنند تا با کنترل دختران و ازدواج دادنشان این پاکدامنی را حفظ کنند. در مناطق روستایی در جایی که به اصلاح «فضاهای بی‌دفاع» زیادی وجود دارد خانواده‌ها نگران‌اند که به کودکانشان تعرض شود و یا گول بخورند و وارد رابطه با نامحرم شوند. چنانچه این فضاها کمتر قابل کنترل هستند، احتمال به خطر افتادن امنیت دختران بیشتر است. خانم نیلوفر گفت:

در طایفه ما رسم بود دختر و پسر زود ازدواج کنند به این خاطر که ترس داشتند به راه بد کشیده شوند و آسیب ببینند تا زودتر به زندگی خودشان سرگرم شوند.

در میان خانواده‌های نابسامان، جایی که یکی از سرپرستان خانواده به ویژه مادر حضور ندارد و یا در میان خانواده‌هایی که تضاد بر روابط آنها حکمفرما است این نگرانی بیشتر می‌شود زیرا سرپرست خانواده فکر می‌کند که نظارت کمتری بر دختران وجود دارد و بیشتر

می‌توانند از سوی پسران تهدید شوند. در محیط‌های کوچک همچون محیط‌های روستایی یا در محله‌های شهری که بیشتر افراد همدیگر را می‌شناسند این نگرانی دو چندان است زیرا خانواده‌ها می‌ترسند که با پخش شایعه، آبروی دختر و خانواده برود. این یک داغ ننگ به حساب می‌آید و می‌تواند برای مدت طولانی آنها را آزار دهد. خانم عباسی گفت:

وقتی پدرم فوت کرد، می‌گفتن کنترل دختر دیگه برامون سخته، می‌ترسیدن، نمی‌داشتن زیاد از خونه بریم بیرون، می‌گفتن با کسی رفت آمد داشته‌باشید، براتون خوب نیست، وضعتون خراب میشه، پشت سرتون حرف در میارن.

در برخی از اجتماعات روستایی و محله‌های فقیر شهرستان خرم‌آباد سن ازدواج از پیش تعیین شده است که برای دختران حدوداً از سنین ۱۲ تا ۲۰ است. زمانی که دختران به این سنین می‌رسند اکثراً برای آنها خواستگار می‌آید. همان‌گونه که گفته شد در این اجتماعات پسران معمولاً بعد از سربازی ازدواج می‌کنند و یک دختر مناسب برای آنها دختری است که چندین سال از آنها کوچک‌تر باشد. اگر والدین در این سنین دخترشان را ازدواج ندهند نگران می‌شوند که دیگر یا ازدواج نکند یا شوهر مناسب برای آنها پیدا نشود. اگر دختران ازدواج نکنند، مردم با اصطلاح «ترشیده» آنان را سرزنش می‌کنند و همین باعث ایجاد ترس در میان آنان می‌شود. از نظر آنها دختری که ازدواج نکند دیگر آینده‌ای ندارد و روی دست والدین می‌ماند. البته این موضوع تا حدودی درست است زیرا دختران از بسیاری از فرصت‌های دیگر از جمله تحصیل و اشتغال محروم‌اند و آنقدر توانمند نیستند که بتوانند برای خود زندگی دست و پا کنند. اگر آنان در این سنین ازدواج نکنند احتمالاً دیگر قادر به ازدواج نخواهند بود یا باید با مردی که تناسب چندانی با آنها ندارد (مرد بزرگسال یا مردی که همسرش را از دست داده است) ازدواج کنند. ترس والدین از عدم ازدواج و «ترشیده شدن» باعث می‌شود که دختر را در سن کودکی ازدواج دهند و حتی به واسطه القای این ترس در درون فرزندان، آنان را وادار به ازدواج کنند. خانم بهرامی گفت:

خودم می‌خواستم ازدواج نکنم، به مامانم گفتم، ولی خوب نظر اونا بود؛ یعنی اونا برام تصمیم‌گرفتن. دلیلش این است که ما در روستا زندگی می‌کنیم و سطح فرهنگ روستا هم همین است، یعنی من زمانی که چهارده سالم بود ازدواج کردم، مامانم می‌گفت خیلی دیر

ازدواج کردی، دوستان همه ازدواج کردن تو موندی خونه، می‌ترسیدن نکنه من شوهر نکنم بمونم رو دسشون.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که فضای نابسامان خانواده نیز در ازدواج کودکان سهم دارد. گاه یکی از والدین به هر دلیلی مثل فوت یا طلاق برای همیشه حضور ندارد و یا اینکه خانواده‌ها نه تنها نیازهای فرزندان را به خوبی تأمین نمی‌کنند بلکه به شیوه‌های مختلف آنها را آزار هم می‌دهند. این نوع خانواده‌ها نابسامان‌اند و فضایی را می‌سازند که فرزندان در آن، آزار زیادی را تجربه می‌کنند. عوامل زیادی موجب این فضا می‌شوند که مهم‌ترین آنها عبارت از فقر، شیوه‌های تربیتی خشن و پرجمعیت بودن خانواده هستند. این فضا باعث می‌شود کودکان به دنبال فرار از محیط خانواده باشند که یکی از راه‌های آن برای دختران، ازدواج است. چون دختران تصور دقیقی از ازدواج ندارند فکر می‌کنند با قبول آن می‌توانند خود را از این محیط نابسامان رها سازند تا خوشبخت شوند. خانم حسونند گفت:

خب اون موقع پدرم مرده بود، و احتیاج به یه نوع محبت داشتم، محبت مادری به‌کنار، که احساس کنم پشتوانه قوی دارم. با شوهرم آشنا شدم، آشنا که چه عرض کنم، منو دید و اومدن خواستگاری، منم قبول کردم، گفتم حداقل از این بلا تکلیفی در پیام یک زندگی راحت برای خودم داشته باشم.

خانواده‌های پرجمعیت به ویژه آنهایی که فقیر نیز هستند این فضا را به وجود می‌آورند. در این خانواده‌ها والدین نمی‌توانند به خوبی برای همه فرزندان به خصوص آنهایی که خردسال‌تر هستند وقت بگذارند، به آنان توجه و محبت کنند و نیازهایشان را تأمین کنند. آنها گاه به برخی از فرزندان بیشتر توجه و برخی دیگر را قربانی می‌کنند. در این فرایند احساس تبعیض و بغض در میان فرزندان قربانی شده رشد می‌کند و تبدیل به عاملی برای جستجوی راهی نظیر ازدواج برای خروج از خانواده می‌شود.

در مناطق روستایی فقدان امکانات و از جمله مدرسه برای تحصیل در مقاطع بالاتر نیز در ازدواج دختران در سن کودکی نقش دارد. از سوی دیگر ازدواج و ورود به زندگی مشترک با مسئولیت‌های زیادی همراه است. انجام وظایف خانه، بارداری، زایمان و مراقبت از فرزند و همسررداری همه از موانع تحصیل هستند. ازدواج برای کودکان منجر به نقش‌های جدید و انتظارات همسوی این نقش‌ها می‌شود. کودکان یا باید به دلیل ازدواج و نقش‌های جدید ترک

تحصیل کنند و یا همزمان با ازدواج به تحصیل نیز پردازند که منجر به فشار مضاعف بر آنها می‌شود و در نهایت مجبور به ترک تحصیل می‌شوند. از سوی دیگر، در میان اجتماعات سنتی ازدواج و وظایف خانه‌داری و شوهرداری در تضاد با ادامه تحصیل است. خانواده‌ها و شوهر این دسته از کودکان فکر می‌کنند که ادامه تحصیل باعث عدم توانایی برای رسیدگی به نقش‌های خانه‌داری می‌شود. در این فرایند است که خانواده‌ها با ادامه تحصیل دخترشان مخالفت می‌کنند. در موارد دیگر، خانواده‌ها (در اینجا خانواده پدری و قبل از ازدواج دختر) به دلیل مشکلات مالی و یا به دلیل نگرانی از روابط خارج از عرف، مانع تحصیل دختران می‌شوند. فقر نه تنها باعث عدم توانایی سرمایه‌گذاری در آموزش دختران می‌شود بلکه همانگونه که گفته شد یکی از زمینه‌های ازدواج کودکان است. در اجتماعاتی که نقش زنان در نقش‌هایی همچون خانه‌داری، تربیت فرزند و شوهرداری خلاصه شده است، تحصیل و دنبال کردن اهداف شخصی به ویژه موفقیت در شغل و کسب درآمد مهم نیست. خانواده‌ها از یک سنی به بعد مانع ادامه تحصیل کودکانشان می‌شوند و خواهان ازدواج آنها هستند. زمانی که دختر ترک تحصیل می‌کند گزینه‌ای به جز ازدواج برای او باقی نمی‌ماند. در مناطق روستایی به دلیل نبودن امکانات تحصیل در مقاطع بالاتر، دختران مجبور به ترک تحصیل می‌شوند و در این صورت گزینه‌ای جز ازدواج برای آنان باقی نمی‌ماند. خانم ولی‌زاده گفت:

پدر و مادرم اجازه ندادن، دیگه تا پنجم خوندم. خودم دوس داشتم، ولی می‌گفتن تو درس بخونی چی بشه، مامانم که خودش خونه‌دار بود، می‌گفت فردا مثل من میشی، همه دخترا آخرش باید برن خونه شوهر.

نبودن امکانات تحصیل در مناطق روستایی یکی دیگر از عوامل ترک تحصیل است. در بسیاری از مناطق روستایی تنها مدارس ابتدایی یا راهنمایی (برای دخترانی که در نظام گذشته تحصیل کرده‌اند) یا دوره ابتدایی اول و دوم (برای دخترانی که در نظام جدید تحصیل کرده‌اند) وجود دارد. در این فرایند است که بسیاری از دختران به علت نبودن امکانات تحصیل و نگرانی‌های خانواده‌هایشان از تحصیل باز می‌مانند و بعد از تحصیل نیز گزینه‌ای جز ازدواج برایشان باقی نمی‌ماند. خانم درویشی گفت:

روستای ما فقط تا کلاس پنجم داشت و برای ادامه تحصیل باید به شهر یا روستای بالایی می‌رفتیم. دیگه خانواده‌ها اجازه نمی‌دادن، می‌ترسیدن هم اتفاقی بیفته برامون هم تو شهرکسی

مراقبمون نبود، پدرم می‌گفت خوب نیست برای خانوادهٔ ما تو بری درس بخونی. باید ازدواج کنی بری سر زندگی، وقتی ما به کلاس پنجم می‌رسیدم همه دخترا می‌دونستیم که دیگه درس خوندن تموم میشه.

خیلی از این دختران حسرت می‌خورند و آرزو به دل - آرزوی ادامه تحصیل و یادگیری و بودن در کنار دوستانشان در مدرسه - می‌مانند. مدرسه و درس خواندن به آنها هویت می‌بخشد و فکر می‌کنند با تحصیل می‌توانند جایگاه اجتماعی و زندگی بهتری داشته باشند، اما فقدان امکانات تحصیل این اجازه را به آنها نمی‌دهد. حتی بعد از ازدواج و سال‌های بعد، آنان متوجه می‌شوند که ترک تحصیل باعث شده است که نتوانند از پس بعضی از امور زندگی نظیر فرزندپروری برآیند زیرا چندان مهارتی در آن ندارند. خانم مرادیان گفت:

بزرگ‌تر شدم پیش خودم گفتم کاهش می‌تونستم ادامه تحصیل بدم، دیرتر ازدواج کنم. اینارو من نوزده سالگی گفتم زمانی که دیگه مادر شده بودم و دیگه راه بازگشت نبود. می‌گفتم کاش می‌تونستم یه مادر باسواد باشم. خب، سواد باعث میشه آدم ذهنش باز باشه، بهتر فرزندشو درک کنه، و بچه‌ها خیلی مادر باسواد رو قبول دارن.

در نهایت، یکی دیگر از عواملی که در ازدواج دختران نقش دارد زیبارو بودن و مورد توجه قرار داشتن برای خواستگاری و ازدواج بود. زیبارو بودن به واسطهٔ دو مسیر منجر به ازدواج در سن کودکی شده است. نخست این که در اجتماع برای دختران زیبارو خواستگار بیشتر است و بسیاری از خانواده‌ها خواهان آنها هستند. این خانواده‌ها به داشتن عروس زیبارو افتخار می‌کنند. مسیر دیگر نگرانی خانواده از به خطر افتادن پاک‌دامنی این دختران است زیرا آن‌ها به دلیل زیبایی‌شان بیشتر از سوی پسران مورد توجه و حتی اذیت قرار می‌گیرند. خانواده‌ها نگران هستند که مبادا دخترشان با پسر دیگر وارد رابطه شود و پاک‌دامنی‌شان به خطر بیفتد. لذا ترکیب داشتن خواستگار و نگرانی از به خطر افتادن پاک‌دامنی باعث می‌شود خانواده‌ها برای ازدواج دادن دختران اقدام کنند. خانم عباسی گفت:

تو روستای ما اگه یه دختری یه زره خوشگل باشه زنا زیر نظرش می‌گیرن، زود میان خواستگاریش، خواستگار زیاد داره، این جور می‌شدم منم رفتم.

جدول ۳ نشان می‌دهد از میان مجموع عوامل مرتبط با ازدواج دختران در سنین کودکی در شهرستان خرم‌آباد، عواملی چون فقر و سنت‌ها نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به سایرین

داشته‌اند؛ گرچه این حکم کلیت ندارد. برای مثال در مشارکت‌کننده شماره شش و چهارده فقره نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته است. برای شماره شش می‌توان گفت سنت‌ها، فضای نابسامان خانواده و پرجمعیت بودن خانواده و برای مورد چهارده سنت‌ها، ترس از عدم ازدواج و هنجار پاک‌دامنی بیشتر اثرگذار بوده‌اند. بر عکس، برای شماره ده نقش فقر و ترک تحصیل بسیار تعیین‌کننده‌تر بوده است. فراتر از ادبیات این حوزه، در این مطالعه دو عامل دیگر شناسایی شد (فداکاری و خانواده نابسامان) که در نقش ازدواج کودکان اثرگذار بوده‌اند. این عوامل می‌توانند به مثابه قضایای نظری در مطالعات کودک همسری در نظر گرفته شوند.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش مطرح در مقدمه می‌توان گفت توسعه نامتوازن در سطح کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در ازدواج کودکان در شهرستان خرم‌آباد به واسطه بازتولید فقر و عدم تغییر در سنت‌ها و هنجارهای تبعیض‌آمیز داشته است. علیرغم تغییراتی که جامعه ایران در دو دهه گذشته تجربه کرده است بخشی از آن هنوز از این تغییرات بهره نبرده‌اند. برای مثال هنوز موضوع تحصیل دختران در برخی از مناطق روستایی و فراهم کردن امکانات تحصیل برای آنها چالشی جدی است (صیادیان برخوردار و عنبری؛ ۱۴۰۱). از سوی دیگر به دلیل فقر، بخشی از مردم در مناطق حاشیه‌نشین اسکان گزیده‌اند و از جریان اصلی جامعه طرد شده‌اند. شغل مردم در این مناطق به صورت غیررسمی، روزمزد و موقتی بوده، منجر به فقر و به حاشیه رانده شدن آنها شده است. فقر، زندگی این خانوارها را آسیب‌پذیر کرده است. در این شرایط خانواده‌ها به خوبی قادر نیستند روی پیشرفت فرزندانشان سرمایه‌گذاری کنند. در کنار عوامل مادی، هنجارها نیز تا حدودی دست‌نخورده و بدون تغییر باقی مانده‌اند. بر این اساس، جایگاه زنان و مردان از پیش تعیین شده به طوری که زن آرمانی زن خانه‌داری است که به امور منزل می‌پردازد. در سطح کلان نیز قانون با حمایت از ازدواج کودکان و عدم جرم‌انگاری آن، از قفس تنگ سنت‌ها و هنجارهای تبعیض‌آمیز آن حمایت می‌کند. اینکه چگونه این بافت دست‌نخورده به ازدواج کودکان منجر می‌شود موضوع این مطالعه بود و زمینه و فرایندهای آن بررسی شد. جدول ۴ این زمینه‌ها و فرایندها را نشان می‌دهد.

جدول ۴- زمینه‌ها و فرایندهای ازدواج کودکان در شهرستان خرم‌آباد

ردیف	علت / فرایند	توضیح
۱	فقر	فقدان فرصت‌های اقتصادی در این مناطق و نبود زیرساخت‌ها و امکانات تحصیل در مقاطع بالاتر در مناطق روستایی
۲	سنت‌ها	کاستن از هزینه‌های خانوار با ازدواج دادن دختر (تلقی هزینه بودن دختر)
		ایجاد تصویری ایدئال یا آرمانی از زنان بر مبنای نقش‌های که آنان می‌توانند در جامعه ایفا کنند (زن خانه‌داری که به خوبی به امور منزل، شوهر و فرزندان رسیدگی می‌کند)
		تعیین سن ازدواج دختران
۴	ترس از عدم ازدواج	تعیین شیوه‌های ازدواج کردن (انتخاب همسر توسط والدین)
		خانواده‌ها از ترس اینکه دختران با افزایش سنشان ازدواج نکنند آنها را در سن کودکی ازدواج می‌دهند
۵	هنجار پاک‌دامنی	ترس از به خطر افتادن پاک‌دامنی دختران و ازدواج دادن آنها برای حفظ این پاک‌دامنی
۶	شرایط نابسامان خانواده	به دلیل مسائل آزاردهنده‌ای که دختران در این خانواده‌ها تجربه می‌کنند، آنان با ازدواج کردن می‌خواهند خود را از این شرایط برهانند.
۷	ترک تحصیل	زمانی که دختران ترک تحصیل می‌کنند چون نقش دیگری را به عهده نمی‌گیرند، خانواده‌ها آنان را ازدواج می‌دهند.
۸	زیبارو بودن	این دختران خواستگاران بیشتری دارند و خانواده‌ها از ترس اینکه مورد آزار قرار گیرند آنها را زودتر ازدواج می‌دهند.

منابع

- احمدی. کامیل (۱۳۹۶). *طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام کودکان در ایران*. تهران: شیرازه.
- بهرامی. اردشیر (۱۳۹۷). *فرهنگ توسعه و خودکشی*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- خضری. فرشید، بهنام جو. فاطمه، پروین. ستار (۱۴۰۰). *کودکی‌های از دست رفته و تجربه خشونت به مثابه سیمای زندگی: مطالعه ازدواج‌های زودهنگام زنان شهرستان بهار*. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی. ۶ (۲۱). ۱۷۳-۲۱۴.
- شکوری راد. صدیقه (۱۳۹۹). *کودک‌همسری از نظر قرآن*. پژوهش‌نامه زنان. ۱۱ (۳). ۶۳-۱۴۱.
- صیادیان برخوردار. محدثه، عنبری. موسی (۱۴۰۱). *رسم کودک‌همسری و نابرابری در آموزش رسمی دختران روستایی (مطالعه روستاهای الشتر)*. نامه انسان‌شناسی. ۱۹ (۳۵). ۱۱۱-۱۳۶.
- علی‌مندگاری. ملیحه (۱۳۹۳). *نگرش نسبت به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در چارچوب تئوری گذار دوم جمعیتی، مطالعه‌ای در شهر تهران*. رساله دکتری جمعیت‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- غدیری. ماهرو (۱۳۹۵). *سن و رضایت به ازدواج از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر*. خانواده پژوهی. ۱۲ (۴۵). ۱۱۵-۱۳۹.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۱). گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران. <https://salnameh.sci.org.ir>
- مقدادی. محمدمهدی، جوادپور. مریم (۱۳۹۶). *تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن*. فصلنامه حقوق پزشکی. ۱۱ (۴۰). ۳۳-۶۰.
- هاشمی‌نسب. فخرالسادات، مقصودی. سوده، قنادزاده. مهدی (۱۴۰۱). *واکاوی کیفی تجربه کودک-همسری در بین زنان جدا شده از همسر شهر کرمان*. مسائل اجتماعی ایران. ۱۳ (۱). ۲۷۱-۹۱.
- Caldwell. J. C., Reddy. P. H., Caldwell. P. (1983). **The Causes of Marriage Change in South India**. *Population Studies*. 37(3). 343-361.
- Chakravarty. D. (2018). **Lack of Economic Opportunities and Persistence of Child Marriage in West Bengal**. *Indian Journal of Gender Studies*. 25(2). 180-204.
- Chowdhury. F. D. (2004). **The Socio-Cultural Context of Child Marriage in a Bangladeshi Village**. *International Journal of Social Welfare*. 13(3). 244-253.
- Ghosh. Biswajit (2011). **Early Marriage of Girls in Contemporary Bengal: A Field View**. *Social Change*. 41(1). 41-61.
- Lee-Rife. S., Malhotra. A., Warner. A., Glinski. A. M. (2012). **What Works to Prevent Child Marriage: A Review of the Evidence**. *Studies in Family Planning*. 43(4). 287-303.
- Kidman. R. (2017). **Child Marriage and Intimate Partner Violence: A Comparative Study of 34 Countries**. *International Journal of Epidemiology* 46(2). 662-675.

- Mathur. S., Greene. M., Malhotra. A. (2003). **Too Young to Wed. The Lives, Rights, and Health of Young Married Girls.** Washington. DC: International Center for Research on Women.
- Nour. N. M. (2009). **Child Marriage: A Silent Health and Human Rights Issue.** Reviews in Obstetrics and Gynecology. 2(1). 51.
- Novel. A., Matthews. Z., Neal. S., Camacho. A. V. (2014). **Maternal Mortality in Adolescents Compared with Women of Other Ages: Evidence from 144 Countries.** Lancet Global Health. 2. e155-e164.
- Paul. P., Mondal. D. (2021). **Child Marriage in India: A Human Rights Violation during the COVID-19 Pandemic.** Asia Pacific Journal of Public Health. 33(1). 162-163.
- Petroni. S., Steinhaus. M., Fenn. N. S., Stoebenau. K., Gregowski. A. (2017). **New Findings on Child Marriage in Sub-Saharan Africa.** Annals of Global Health. 83(5-6). 781-790.
- Raj. A., Saggurti. N., Lawrence. D., Balaiah. D., Silverman. J. G. (2010). **Association between Adolescent Marriage and Marital Violence among Young Adult Women in India.** International Journal of Gynecology and Obstetrics. 110(1). 35-39.
- Segal-Engelchin. Dorit, Huss. Efrat, Massry. Najlaa (2015). **The Experience of Early Marriage: Perspectives of Engaged and Married Muslim Women in Israel.** Journal of Adolescent Research. 31(6). 725-749.
- UNICEF. and UNFPA. (2018). **Key Drivers of the Changing Prevalence of Child Marriage in Three Countries in South Asia.** United Nations Children's Fund.
- UNICEF. (2001). **Early Marriage and Child Spouses.** Florence. Italy: UNICEF.
- UNICEF. (2005). **Early Marriage a Harmful Traditional Practice: A Statistical Exploration 2005.** UNICEF.
- UNICEF. (2017). **Child Marriage in the Middle East and North Africa .**United Nations Children's Fund Middle East and North Africa Regional Office in collaboration with the International Center for Research on Women (IRCW).
- United Nations. (1989). **Convention on the Rights of Child.** <https://www.ohchr.org/Documents/ProfessionalInterest/crc.pdf>
- United Nations. (1979). **Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women.** <https://www.ohchr.org/Documents/ProfessionalInterest/cedaw.pdf>
- United Nations. (1962). **Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages.** <https://www.ohchr.org/Documents/ProfessionalInterest/convention.pdf>
- United Nations Population Fund. (2012). **Marrying Too Young: End Child Marriage.** New York. NY: Author.